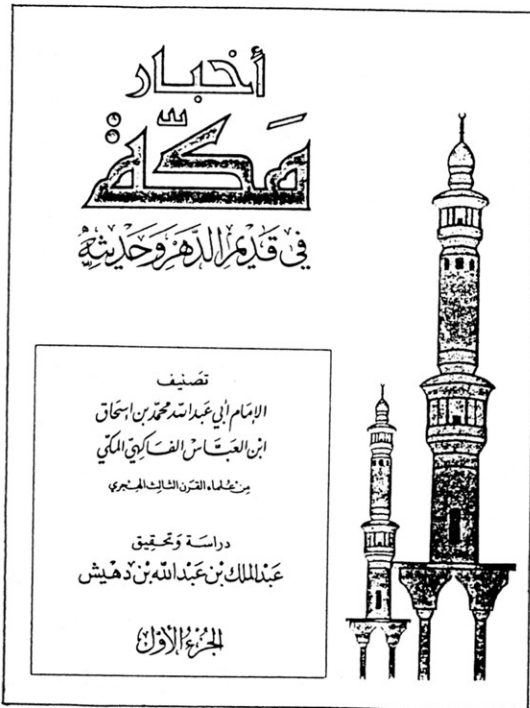


# نقد و معرفی کتاب





## کتابی کهن در تاریخ مکه \*

محمد علی مهدوی راد

در جریان تاریخ نگاری اسلامی، شیوه تاریخ نگاری شهرها و آبادیها از پیشینه بسیار کهنی برخوردار است. و در این میان تاریخ مکه و گزارش حوادث و چگونگی رویدادهای آن، اهمیت و جایگاه بلندی را به خود اختصاص داده است.

مکه، شهر دیرپای و دراز آهنگ و گرانقدری است که از دیرباز مورد توجه ملتها، قومها و نسلها بوده است و به لحاظ پیشینه، از کهنترین آبادیهای است که بر پهنه زمین شکل گرفته و نسلها و قومهایی را در خود جای داده است. در دوران اسلامی نیز اخبار مکه و گزارشهای مربوط به حوادث و جریانهای گونه گون آن، برای مسلمانان از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده

است. اخبار، فضائل، جایگاه بلند، و جنبه‌های تاریخی مکه در دوران نقل و نیز دورهٔ تدوین برای مسلمانان به جهانی گونه‌گون نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. شناخت دقیق آنچه یاد شد در تفسیر قرآن، درک حقایق آیات الهی، سیرهٔ پیامبر، چگونگی بروز و ظهور آئین حق و گسترش آن کارآمد بوده و هست. از این روی از جمله بهترین آثار مدوّن فرهنگ اسلامی آثاری است که دربارهٔ مکه و مدینه نگاشته شده است.

### پیشینهٔ این آثار:

گویا بهترین اثری که در منابع کتابشناسی و شرح حال نگاری در این باره از آن یاد شده است، کتاب محمد بن عمر واقدی است. واقدی محدثی بزرگ و مورّخی سخت‌کوش بوده است، وی به سال ۱۳۰ به دنیا آمده و در سال ۲۰۷ زندگی را بدرود گفته است.<sup>۱</sup> کتاب وی با عنوان «کتاب اخبار مکه» برای محققان بعدی دست مایه اخبار و گزارشهای مربوط به مکه بوده است. پس از وی علی بن محمد مدائنی است (۱۳۵ - ۲۲۵) مدائنی از مورخان است که تألیفات بسیار گسترده و نگاشته‌های گونه‌گونی دارد، از کتاب وی دربارهٔ مکه، این ندیم که آثار وی را به تفصیل و به گونهٔ موضوعی گزارش کرده است با عنوان «کتاب مکه» یاد کرده است، اما اکنون از اثر وی دربارهٔ مکه مانند بسیاری از دیگر آثارش، خبری نیست، باید یادآوری کنم که در بسیاری از منابع دیگر نیز که به آثار و شرح حال وی پرداخته‌اند، از این اثر یاد نکرده‌اند.<sup>۲</sup>

پس از کتاب مدائنی باید از اثر گراندنر و ارجمند، ابی الولید محمد بن عبدالله بن أحمد ازرقی، (.... - حدود ۲۵۰) نام برد، با عنوان «اخبار مکه». ازرقی دربارهٔ مکه اخبار متعددی دارد، خوشبختانه «اخبار مکه» وی اینک در اختیار است و مورد مراجعه و بهره‌وری محققان.<sup>۳</sup>

زبیر بن بکّار نیز در این باره کتابی تدوین کرده است. او به سال ۱۷۲ به دنیا آمده، در سال ۲۵۶ درگذشته است. از اثر وی، سخاوی یاد کرده است،<sup>۴</sup> و در منابعی دیگر نیز از آن یاد شده است.<sup>۵</sup> اما در منابع شرح حال وی و برخی متون کتابشناسی و فهرست‌ها که آثار وی را رقم زده‌اند، از آن یاد نیست.<sup>۶</sup>

عمر بن شبه (۱۷۲ - ۲۶۲) نیز از مورخان است که دربارهٔ مکه و اخبار آن کتابی رقم

زده است. از کتاب وی با عنوان «تاریخ مکه» بخاری یاد و نقل کرده است.<sup>۷</sup> از وی کتابی با عنوان «امراء مکه» نیز یاد شده است که برخی احتمال داده‌اند هر دو عنوان یک کتاب باشد.<sup>۸</sup> در برخی از منابع از حسن بصری (م ۱۱۰) نیز کتابی با عنوان «تاریخ مکه» یاد شده است؛ که گویا نسخه‌ای از آن در یکی از کتابخانه‌های مصر وجود دارد.<sup>۸</sup>

پس، از آنچه یاد کردیم اثر گرانقدر و عدیم‌النظیر ابی عبدالله محمد بن اسحاق فاکهی است با عنوان «اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه»، که اینک مورد گفتگوی ماست. کتاب فاکهی اثری است تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی که با استناد به آن، بسیاری از حقایق مربوط به مکه و چگونگی اطراف آن را به دقت می‌توان بازشناسی کرد. آنچه اکنون در اختیار است بخش دوم کتاب است که حدود سه هزار گزارش، حدیث و خبر را به همراه دارد، بخش اول کتاب تا سالها پس از نگارش آن، در اختیار محققان و محدثان بوده است؛ که از نقلها و گزارشهای آن بهره برده‌اند، و براساس آنها محقق سختکوش کتاب، بخشی از جلد اول را بازسازی کرده است که بدان اشاره خواهیم کرد.

#### اهمیت کتاب:

کتاب فاکهی همواره مورد توجه عالمان و محدثان و مورخان بوده است. بسیاری از آن بهره برده و به جایگاه بلند آن در تاریخ اسلام توجه داده‌اند. ابن حجر عسقلانی که در آثار مختلف خود از کتاب فاکهی فراوان بهره برده است، درباره اخبار مکه نوشته است: «کتابی است گرانقدر در پنج کتاب».<sup>۹</sup>

تقی‌الدین محمد بن احمد فاسی مکی نیز از کتاب فاکهی در نگارش کتابش فراوان نقل کرده است، می‌نویسد:

«در کتاب فاکهی مطالب سودمند فراوانی توان یافت که در اثر ازرقی و آنچه ما

نوشته‌ایم بدان نمی‌توان دست یافت».<sup>۱۰</sup>

کتاب فاسی اثری است پر ماده و سودمند؛ و این اظهار کارشناسانه او به روشنی نشانگر

جایگاه بلند کتاب فاکهی و گستردگی مواد و وسعت اطلاعات عرضه شده در آن است.

نکته دیگری که می‌تواند اهمیت والای کتاب فاکهی را نشان دهد؛ معلومات و

آگاهیهای برجای مانده در صفحات آن است که اینک از منابع اصلی آن به هیچ روی نشانی

نیست، محقق سختکوش کتاب، این مجموعه را چنین شناسانده است:

«از کتاب عثمان بن عمرو بن ساج در تاریخ مکه، ۴۷ مورد نقل کرده است،<sup>۱۱</sup> و از کتاب واقدی ۲۶ مورد و از آثار زبیر بن بکّار ۱۴۳ گزارش آورده است که جز اندکی از آنها در آثار چاپ شده وی نیست».

از کتابی نگاشته ابی عبیده مَعْمَر بن المثنی ۱۱ گزارش مربوط به چاهها و اخبار مکه، و از کتاب «فضائل مکه» ابی بکر حُمَیدی (صاحب سند) ۲۹ گزارش. فاکهی از برخی از منابع حدیثی کهن نیز بهره برده است که اینک در اختیار نیست، مانند کتاب «الجامع» و «المناسک» ابن جُریج که ۲۴۸ حدیث با طرق مختلف از آنها نقل کرده است.

از کتاب «الجامع» سفیان ثوری، ۱۰۸ حدیث و از «الجامع» سفیان بن عیینه، ۷۳۷ حدیث و اثر، و از کتاب «مُصَنَّف وکیع بن جَرّاح ۲۴ حدیث و اثر، و از «سنن موسی بن طارق ابی قرّة، ۱۶ نصّ».

فاکهی تنی چند از مشایخ حدیث خود را در این کتاب یاد کرده و از آثار حدیثی آنها احادیث و آثار نقل کرده است از جمله: از «سنن» سید بن منصور، ۱۱ نصّ، و از یکی از کتابهای حسین بن حسن مروزی ۱۱۵ حدیث و اثر، و از «سنن» حسن بن علی خُلوانی ۳۲ نص و از «مسند» محمد بن یحیی بن ابی عمر عدنی مکی ۵۲۶ خبر و از «مسند» یعقوب بن حمید بن کاسب، ۱۸۸ حدیث و اثر آورده است.

فاکهی برای تدوین کتاب خود به کتابهای سیره نیز مراجعه کرده است، و از جمله کتابهای سیره‌ای که وی از آنها بهره برده و اکنون در اختیار نیست عبارتند از: کتاب عروة بن زبیر اَسَدی، ۵ خبر، «مغازی» موسی بن عقبه ۱۳ گزارش.

افزون بر آنچه یاد شد، فاکهی از کسانی نیز حدیث و گزارش می آورد که نامی از آثارشان نیست، و بدین سان کتاب فاکهی بخش عظیمی از میراث تاریخی، حدیثی را در لابلای صفحاتش گنجانده و به نسلها و عصرها سپرده است.<sup>۱۲</sup>

#### کتاب فاکهی در آثار دیگران:

«اخبار مکه» پس از نگارش و نشر، مورد توجه عالمان قرار گرفته است. بسیاری از

محدثان و مؤلفان بخشهایی از آن را در آثار خود نقل کرده‌اند، از جمله: ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق حربی در «المناسک»، ابو عمر ابن عبدالبر در «استیعاب»، ابو عبید بکری در «معجم ما استعجم»، یاقوت حموی در «معجم البلدان» و «المشترک وَضَعاً المَفْتَرَق صَفْعاً»، محمد بن احمد فاسی در «العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین» و «شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام»، ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری»، «الأصابه»، «تهذیب التهذیب» و «تعلیق التعلیق»، عمر بن قَهد المکی در «اتحاف الوری بأخبار ام القرى»، «محمد بن عبدالرحمن السخاوی» در «المقاصد الحسنه» جلال‌الدین السیوطی در «الدر المنثور» و «تاریخ الخلفاء» و «الجامع الکبیر»، متقی هندی در «کنز العمال»، جمال‌الدین بن ظهیرة المخزومی در «الجامع اللطیف فی فضل مکه و اهلها و بناء البیت الشریف»، «قطب‌الدین النهروانی در «الأعلام بأعلام بیت‌الله الحرام» و... محقق کتاب که از این مجموعه و جز اینها یاد کرده است دقیقاً موارد نقل در این آثار را نیز نشان داده است.<sup>۱۳</sup>

### نگاهی گذار به فصول کتاب:

فاکهی کتاب را بصورت منظم تبویب نکرده است، او عنوانی را می‌آورد و آنگاه آگاهیهای لازم درباره آن عنوان را گزارش می‌کند آنچه اکنون برجای مانده است از گزارشهای مربوط به «حجرالأسود» و فضیلت و احکام آن آغاز می‌شود؛ در ضمن ۱۵ عنوان و ۲۱۴ حدیث و خبر. در این فصل از «حجرالأسود» چگونگی و پیشینه آن، آداب استلام و زیارت آن، چگونگی استلام زنان، ارتفاع آن از زمین، رکنهای دیگر و چگونگی آنها، دست مالیدن، بوسیدن و دیگر آداب رکنها سخن رفته است، گزارشهای این فصل دقیق و در ضمن گزارشهای مطالب تاریخی و اجتماعی مهمی آمده است.

در فصل دوم (ج ۱، ۱۸۶ - ۱۶۰) از جایگاه «ملتزم» سخن رفته است. یاقوت حموی می‌گوید:

«ملتزم»، که بدان «مَدْعَى» و «المتعوذ» نیز می‌گویند، مکانی است بین حجرالأسود و درب کعبه...<sup>۱۴</sup>

در این فصل در ضمن روایات و گزارشهایی، جایگاه «ملتزم» عرضه شده و از اهمیت و فضیلت آن سخن رفته؛ و عظمت دعا خواندن در آن مکان و چگونگی دعا کردن نموده

شده، و از کسانی که در این مکان به التجرع ایستاده‌اند یاد شده و مطالب سودمند دیگر که در ارتباط با این مسأله بوده است گزارش شده است. این مبحث دارای ۷۶ حدیث و گزارش است.

**فصل سوّم (ج ۱، ۳۶۸ - ۱۸۶)** که فصلی است بلند با ۶۰ مبحث و ۴۷۹ حدیث خبر به طواف کعبه و چگونگی آن پرداخته است. کعبه خانه‌ای است دیرپای که هماره مورد توجه و تقدیس ملتها، قومها و مردم بوده است، طواف آن هماره سستی بوده است قویم و معمول که در گذرگاه تاریخ تحولاتی در چگونگی انجام و برگزاری آن پدید آمده است. در این فصل به تفصیل از طواف کعبه و فضیلت آن سخن رفته و آداب طواف کردن، و منش بجا آوردن این عبادت عظیم و سازنده نموده شده است. گزارشها و احادیث این بحث بسیار مهم و روشنگر بسیاری از آداب مذهبی، اجتماعی و ستهای مردمی قومها و ملتها است. چگونگی طواف کردن، طواف زنان در حالتها و زمانهای مختلف، چگونگی طواف کسانی که نذر کرده‌اند با حالت و هیتی ویژه طواف کنند، چگونگی پایان بخشیدن به طواف، طواف به نیابت از زندگان و مردگان، طواف آزادگان و بردگان در دوران جاهلیت، حوادثی که در طواف کعبه رخ داده است، انهدام کعبه و... با دقت در ضمن احادیث و اخبار بسیاری گزارش شده است و در پایان حدیث: «لَا تَغْزَى مَكَّةَ بَعْدَ الْفَتْحِ» نقل و تفسیر شده است.

**در فصل چهارم (ج ۱، ۴۳۸ - ۳۶۸)** با عنوان «فريضة الحج» در ضمن ۱۷ بحث و ۱۸۷ حدیث خبر و گزارش به وجوب حج، پرداخته و با تفسیر آیه «وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» اهمیت این آیین بزرگ الهی را نمایانده و در ضمن عناوین متعددی از مسائل مختلفی چونان: استطاعت، زاد و راحله در حج، حج خردسالان، گام برداشتن در مسیر حج و فضیلت آن، پی آمدهای سوء ترک حج، جایگاه زائر خانه خدا، غفران حاجیان، برتری زائر خانه خدا که حرمت زیارت را پاس دارد در قیامت، سخن رفته است.

این فصل بیشتر جنبه فقهی و اخلاقی دارد و گزارشهای آن در آگاهی بر فتاوی فقیهان صدر اسلام قابل توجه است. احادیثی که در آداب زیارت و صفاتی که باید زائران بدان متصف باشند در این فصل آمده تبّه آفرین است، این فصل با طرح ضرورت شتاب در انجام فريضة حج و دوری جستن از سهل انگاری درباره آن پایان می پذیرد.

در فصل پنجم که فصل پایانی مجلد اول است (۴۸۱ - ۴۴۰) به مقام ابراهیم و فضیلت



آن پرداخته شده و در ضمن آن از: قیام ابراهیم در مقام، نقشی که بر آن دیده می‌شود، نشستن در پشت مقام ابراهیم و نماز خواندن در آن و بیعت در بین مقام و رکن و دیگر مسائل مربوط به آن سخن رفته است در لابلای صفحات این فصل گزارشهای تاریخی مهم و قابل توجهی آمده است. در این فصل احادیثی درباره حضرت مهدی (عج) دیده شد از جمله این روایت: «بیباع المهدی بین الحجر والمقام علی عدّة أهل بدر. ثلاثمائة و ثلاثة عشر». ۱۵

**فصل ششم (ج ۲، ۵ - ۸۶)** عهده‌دار گزارش چگونگی چاه زمزم، پیشینه آن و جریان تاریخی در گذرگاه زمان است. در این فصل از چگونگی حفر آغازین و پیدایش زمزم سخن رفته و آنگاه چگونگی بهره‌گیری از آن در دورانهای گونه‌گون گزارش شده است. تقدس آب زمزم در نگاه ملتها و حمل آن برای مریضها و استشفاء از آن و سقایت آن از گزارشهای دیگر این فصل است. نامهای زمزم، سرچشمه و چشمه‌های فرعی آن و چگونگی بنای بر آن نیز در ادامه این فصل آمده است. چاه زمزم و فضیلت آن و چگونگی حفظ و حراست از آن در حاکمیت‌های مختلف نیز از جمله گزارشهایی است که در این بخش می‌توان خواند، مجموعه مطالب مربوط به زمزم و جریان تاریخی آن در ۱۹ عنوان و ۱۲۹ حدیث و خبر سامان یافته است. در دوره‌های مختلف تاریخی زمزم و چگونگی سقایت آن نقش تعیین‌کننده در ساختار سیاسی و اجتماعی نظام قبیله‌ای آن دیار داشته است. این گزارشها در برنمودن جایگاه در مسائل یاد شده مطالب مهمی را در بردارد.

**فصل هفتم (ج ۲، ۸۶ - ۲۰۹)** از فصول مهم کتاب است. این فصل به مسجدالحرام پرداخته و از فضیلت و احکام آن سخن گفته است، تحدید حدود دقیق مسجد، چگونگی ساختمان آغازین آن، و افزونیهای واپسین تا زمان فاکهی در این بخش گزارش شده است. چگونگی نماز در مسجدالحرام، خوابیدن در آن مسجد از دیدگاه عالمان و فقیهان آن روزگار، چگونگی بهره‌گیری مسلمانان در آن روزگار از مسجدالحرام، فضیلت اذان گفتن در آنجا، یادکرد مؤذنی که پیامبر در مسجدالحرام تعیین کرد، حکم اعتکاف در آن و احکام انواع تصرّفات در آن و بهره‌گیریهای از آن در بخشهای بعدی این فصل آمده است. آنگاه یاد کرد افزونیهاست به ترتیب تاریخ و توصیف دقیق ساختمان مسجد، مسافت و آنچه در میان بوده است، قندیلها، آزینهها، مناره‌ها و خانه‌های متصل به مسجد.

این فصل به لحاظ فقهی تاریخی و اجتماعی در تاریخ اسلام و شناختن جایگاه

مسجدالحرام در تحولات سیاسی صدر اسلام شایان توجه است.

در فصل هشتم (ج ۲، ۲۰ - ۲۰۹) سعی بین صفا و مروه به بحث نهاده شده و از سیر تاریخی این دو کوه سخن به میان آمده، و از آغاز و پایان سعی گفتگو شد و احکام و حدود و چگونگی آندو بدقت گزارش شده است.

در این فصل از بنائی که بر فراز صفا و مروه ساخته شده بوده است و از خانه‌های متصل به آن، طواف جاهلیان و اشعار و مطالبی که در ضمن سعی می‌خواندند، بتهایی که بر صفا و مروه نهاده بودند، مساحت دقیق بین صفا و مروه در ضمن ۱۶ بحث و ۱۷ حدیث و اثر سخن رفته است. گزارشهای این فصل به لحاظ تاریخی و شناخت برخی از آداب و عقاید دوران جاهلیت، و یکی از نمودهای اعمال عبادی آنان سعی بین صفا و مروه، سودمند و کارآمد است.

فصل نهم (ج ۲، ۲۴۶ - ۳۸۵ و ج ۳، ۱۴۹ - ۱) از فصلهای دراز دامن و بسیار سودمند کتاب است در آغاز این فصل از حدود حرم و چگونگی تحریم حرم سخن رفته و چگونگی نصب نشانه‌های این حدود و سیر تاریخی آن گزارش شده است. آنگاه نامهای مکه است و خلفائی که در آن سکونت گزیده‌اند سخن رفته و از صحابیانی که در آن دیار زندگی را بدرود گفته‌اند یاد شده است از مجاورت مکه و فضیلت شکیبائی بر سختیها و ناگواریهایی که لازمه زندگانی در آن دیار باشد سخن به میان آمده است.

این فصل از جهات مختلف، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی حائز اهمیت است. گزارش درگیری عبدالله بن زبیر و آنچه در آن فتنه بر اهل مکه روا شد از دیگر بخشهای این فصل است.

در صفحات دیگر این فصل از حوادث طبیعی، جریانهای سیاسی مکه سخن رفته و چگونگی آداب و رسوم ساکنان آن دیار نموده شده است. اخباری که در این فصل از، بزم و رزم، شادخواریها و غمگساریهای مردم آن دیار ارائه شده است بسیار خواندنی است، مکه و مردم آن در نگاه دیگران، قداست و اهمیتی که شهرها، آبادیها و قبایل دیگر برمکیان قائل بودند، شعرهایی که در وصف آنها سروده‌اند، زاهدان، قاضیان، عالمان و عابدان و امیرانی که در آن دیار زیسته‌اند، چگونگی قرائت مکیان و آداب ختم قرآن آنان، چگونگی تلبیه اهل آن دیار در هنگام قرائت چون به «والصّحی» می‌رسیدند، از دیگر گزارشهای این فصل است.

یادی از جدّه و چگونگی آن، فضیلت بدرود زندگی در آن دیار، یادکرد «بطحا» و «ابطح» و جایگاه آن دقیق در مکّه، یادکرد کسانی از اهل مکّه که نام و کنیه آنها همگون نام و کنیه پیامبر بوده است در صفحات دیگر این فصل آمده است.

پایان بخش این فصل خطبه‌هایی است که کسانی در اجتماعات مکّه ایراد کرده‌اند، مانند خطبه ابی‌ذر، عتبه بن سفیان حجاج بن یوسف، داود علی بن عبدالله و... که درنگریستن به این خطبه‌ها نیز مطالب مهمی از مسائل سیاسی و اجتماعی آن روزگار را در اختیار می‌نهد. **فصل دهم (ج ۲، ۲۰۸ - ۱۵۷)** با عنوان «باب جامع من أخبار مکّه فی الإسلام» ویژه گزارشهایی است در باره مکّه و چگونگی اداره آن در جاهلیت و اسلام که برخی از عناوین آن، چنین است: کسانی از والیان مکّه که در آن دیار زندگی را بدرود گفته‌اند. والیان مکّه از قریش و غیرقریش و برخی از کارها و تصرّفاتشان، قاضیان مکّه از قریشیان طائف و سکنی گزیدن قبیله ثقیف در آن و...

**فصل یازدهم (۲۴۳ - ۲۰۸)** فصلی است کوتاه اما لطیف و خواندنی. در این فصل از آغازین‌ها در مکّه سخن رفته است به مثل: اولین کسی که درهم و دینار را نقش زد آدم بود (ج ۲۰۸/۳) اولین کسی که برای سخن گفتن منبر گرفت ابراهیم بود (همان ۲۰۹/۲) و... محقق کتاب درباره این فصل نوشته است:

این فصل یکی از فصول مهم و لطیف کتاب فاکهی است. وی در جمع و ترتیب این فصل، تلاش وسیعی بکار بسته است، که نشانگر گستردگی آگاهیها و تسلط او بر منابع گونه‌گون است. فاکهی در میان مورّخان مکّه تنها کسی که این فصل را پرداخته است، فاکهی در ضمن این فصل ۶۲ حدیث و خبر را آورده است.<sup>۱۶</sup>

**فصل دوازدهم** نیز فصلی است کوتاه (۲۵۹ - ۲۴۳) که در آن از احکام شرعی فروش، کرایه و تملکّ خانه‌های مکّه و بنیاد نهادن خانه در آن، سخن رفته و از کسانی که می‌توانند در آن دیار خانه بناکنند و اسکان یابند و یانمی‌توانند در آن دیار اقامت گزینند در ضمن ۴۱ حدیث گزارش سخن رفته است.

**فصل سیزدهم (ج ۳، ۳۵۳ - ۲۸۳)** از فصلهای دراز دامن و بسیار مهم کتاب است. این فصل به لحاظ آگاهیهای مهم و دقیقی که درباره قبیله‌ها، تیره‌ها و چگونگی سکونت آنان در مکّه و مسائل مربوط به آن در اختیار می‌نهد و ابعاد مربوط به زندگی اجتماعی و قبیله‌ای آن

دیار را می‌نمایند بسیار شایان توجه است.

محلّه‌های مکه، محیط زندگی قبیله‌ها، نام خانه‌ها، حوادث تاریخی، خواندنی و شنیدنی بسیاری در این فصل آمده است. از اولین کسی که سرزمین آن دیار را بین قبیله‌ها تقسیم کرد و برای هر تیره‌ای محلی ویژه ساخت نیز سخن رفته و به تفصیل خانه‌های قبایل و حدود آنها گزارش شده است. به مثل چگونگی خانه‌های فرزندان عبدالمطلب با دقت تمام مشخص شده است (ج ۳/۲۶۳ - ۳۰۳) در لابلای صفحاتی که این گزارشها آمده است، فواید تاریخی فراوانی توان یافت، حوادثی که در این محلّه‌ها و خانه‌ها افتاده، خرید و فروشهایی که انجام شده، هم‌پیمانان ساکنان این محلّه‌ها و خانه‌ها، اقدامات مهمی که صاحبان و چهره‌های برجسته این قبیله و تیره‌ها بدان همت ورزیده‌اند از جمله مطالبی است که در این فصل آمده است.

پایان بخش جلد سوم، فصل چهاردهم است (۳۹۲ - ۳۵۳) که گزارش دقیقی است از حدود مکه و تهامه حکم اخراج مسلمان از مکه، حکم قاتلی که به حرم پناه برده باشد، درختهایی که قطع و بهره‌وری از آنها در حرم رواست، چگونگی حکم صدّ در محدوده حرم و کفارّه آن و حیواناتی که می‌شود در حرم از بین برد و نابود کرد و...

در فصل پانزدهم (ج ۴، ۹۶ - ۵) از جایگاههایی که نماز در آنها استحباب دارد سخن رفته است؛ و بدین جهت مساجد بسیاری مانند: مسجدی در «دار الأرقم» مسجدی در عرفه، مسجد «کبش»، «بیعت»، «ذی طوی»، «مسجد شجره» مسجدی در «جبل النور»، «کوه حراء» مسجدی در نزدیکی «شعب علی بن ابیطالب» و... سخن رفته، و از گورستان مکه در دوران جاهلی و گورستان مهاجران یاد شده است. در ادامه فصل از آثار پیامبر و صحابیان گزارشهایی آمده است، کوهها و سرزمینهای مکه نیز شناسایی شده است و به مناسبت، یادکرد گورستانها، روایات قابل توجهی دربارهٔ زیارت نقل کرده است از جمله:

قال رسول الله - ص - : «زوروا القبور فانها تذكركم الموت».<sup>۱۷</sup>

در ادامه این فصل از وادی «محصب» و چگونگی آن سخن رفته و حدود آن مشخص شده و آثاری که درباره آن سخن می‌دارد عرضه شده است. یادآوری کنم که «محصب» سرزمینی است در مسیر مکه به منی که در تحدید حدود آن اختلاف است، اهل سنت شب‌زنده‌داری در آن را پس از بازگشت از منی مستحب می‌دانند.<sup>۱۸</sup>

فصل شانزدهم (ج ۴، ۱۲۸ - ۹۶) عهده‌دار گزارش، چاهها، چشمه‌ها، آبگیرها و استخرهای مکه است در دوران جاهلیت و اسلام. این فصل نیز به لحاظ اجتماعی، اقتصادی شایان توجه است. چه کسانی چاهها و چشمه‌ها را پی افکنده‌اند، مردم از این آبشخورها چگونه بهره می‌گرفتند؟ به چه انگیزه‌ای این چاهها کنده می‌شد؟ قبایل و افرادی که دست به این عمل می‌زدند از چه جایگاه اجتماعی برخوردار بودند؟ چاه زمزم از چه موقعیتی در میان این همه چاه داشت؟ پس از اسلام چه چاههایی کنده شد و چه آبشخورهایی سامان گرفت و چه چشمه‌هایی جاری گشت؟ به این سئوالها در ضمن گزارشهای دقیقی پاسخ گفته شده است. در ضمن آنچه یاد شد، قصه‌ها، شعرها و سنتهای گونه‌گون در بهره‌گیری از چاهها و چشمه‌ها آمده است، که به لحاظ آگاهی از آداب و رسوم و سنتهای جاهلیان و محیط مکه بسیار سودمند است.

در فصل هفدهم (ج ۴، ۲۴۶ - ۱۲۹) از راهها، خیابانها، دره‌ها، سیلابها، و جایهای تاریخی مکه سخن رفته است فرازها و فرودیهای مکه، کوههای متصل به حرم، مکانهای تاریخی که در آن حوادث مهمی اتفاق افتاده است و... نیز در این فصل شناسانده شده است، چنانکه بارها گفته‌ایم، فاکهی در این کتاب تنها به گزارش جایها و حوادث بسنده نمی‌کند بلکه هر آنچه به گونه‌ای در ارتباط با موضوع گزارش باشد می‌آورد، به مثل در این فصل به مناسبت یادکرد کوهها و قله یکی از کوهها و انتساب آن به یکی از مکئیان، حضور پیامبر - ص - را در آنجا یاد می‌کند و چگونگی بیعت مردان و زنان با پیامبر را گزارش کرده با دقت محتوی بیعت را می‌نمایاند. بنگرید:

عبدالله بن عثمان بن خثیم می‌گوید، محمد بن اسود می‌گفت: در روز فتح مکه پیامبر را دیدم که نشسته، و مردم از خرد و کلان، مرد و زن برای بیعت به سوی آن بزرگوار می‌آمدند تا به اسلام گواهی دهند. گفت چگونه شهادت می‌دادند، گفت: انه بايعهم على الايمان با الله والشهادة: لاله الاالله: پیامبر از آنان برایمان به خدا و شهادت به اینکه خدائی جز او نیست پیمان می‌گرفت.<sup>۱۹</sup>

و به مناسبت یادکرد «شعب البیعه» به تفصیل از «بیعت عقبه» و حاضران در آن و چگونگی شکل‌گیری ماجرا و محتوای بیعت سخن گفته است؛ که به لحاظ تاریخی و شناخت زمینه‌های هجرت در سیره رسول‌الله - ص - شایان توجه است.

**فصل هیجدهم (۳۱۱ - ۲۴۶)** یکسر به منی پرداخته است و مسائل مربوط به آن را به دقت گزارش کرده است. منی فضیلت و جایگاه آن، حدود و احکام آن، چگونگی رمی جمرات، راههای که بدان منتهی می‌شود، منزل پیامبر و خلفا در آن، مسجد خیف فضیلت و اهمیت آن و مسائل مربوط به آن در عبادت، شب زنده‌داری و... احکام رمی جمرات، منی و مسائل آن در آینه ادبیات عرب و مسائل دیگر از جمله مطالب این فصل است.

**مسجد «کَبْش» و فضیلت آن و اخباری که درباره آن آمده است، اولین کسی که ریگ افکند، ریگ افکندن ابراهیم ع - رمی جمرات بعنوان سستی دیرپای، دعا و ذکر در حال رمی، گورستان منی و نام دقیق آن، اولین کسی که در آن دیار بت نصب کرد، مساحت دقیق پهنا و درازای منی و مساحت دقیق مسجد منی از دیگر مباحث این فصل است.**

جلد چهارم با فصل نوزدهم پایان می‌پذیرد که به گزارشهای «مزدلفه» پرداخته است. (۳۲۹ - ۳۱۱). در این فصل، از چرایی نامگذاری آن سرزمین به «مزدلفه»، فضیلت و احکام آن، و راههای که بدان منتهی می‌شود سخن گفته شده است. گزارشی از قُرُح (کوهی کم ارتفاع در جنوب شرقی مزدلفه، که مشرف به مسجد مشعرالحرام است) مشعرالحرام، مسجد مشعرالحرام، مساحت دقیق بین آن و عرفات از دیگر مطالب عرضه شده در این فصل است. این گزارشها بسیار دقیق و سودمند است و خواننده با وصفی استوار و تحدیدی ظریف، روبرو است.

**فصل بیستم (ج ۵، ۵۴ - ۵)** ویژه گزارشهایی است از عرفه و حدود آن، فضیلت و احکام عرفه و چگونگی مسجد آن دیار. فضیلت دعا در عرفه، روزه گرفتن در آن، وقوف پیامبر در آن قبل از هجرت و بعد از آن، از مطالب دیگری است که در این فصل آمده است. چرایی نامگذاری آن سرزمین به «عرفه» یادکرد منبر عرفه، مساحت دقیق آن و فاصله‌اش با مسجدالحرام، و به مناسبت یادی از قبر «میمونه» همسر پیامبر و محل آن در اطراف مکه نیز از مطالبی است که در این فصل آمده است.

**فصل بیست و یکم (۱۰۶ - ۵۷)** که واپسین فصل کتاب است به برخی از جایهای مشهور در اطراف و نزدیکی مکه پرداخته است. مانند مسجد تنعیم فضیلت آن و اخبار مربوط به آن، مسجد جَعْرانه، مسجد حدیبیّه، گزارش عمره‌هایی که پیامبر انجام داده است، شهرها و مناطق و آبادیهای اطراف مکه که در حاکمیت والیان مکه می‌بوده است، جایهایی که پیامبر و

اصحابش برای نبرد به آنجاها رفته بودند و...

نگاهی گذرا به فصول زرّین کتاب فاکهی نشانگر اهمیت کتاب و جایگاه بلندش در تاریخ اسلام، مکه و شناخت جریانهای صدر اسلام است. اثر فاکهی تنها تاریخ مکه نیست، به نگاه دقیق و تحلیلی «اخبار مکه» تاریخ سیاست، فرهنگ، ادب و باورها و ستهای مکه در دوران جاهلی و عهد اسلامی نیز هست. در نگرستن به جنبه مختلف آن نشان می‌دهد که هیچ محقق، مورخ، فقیه، مفسر، محدث، و دانشوری که در حقایق اسلام به پژوهش و نگارش همت می‌ورزد از مراجعه بدان بی‌نیاز نیست.

چنانکه پیشتر یادآوری کردیم فاکهی کتاب را فصل‌بندی نکرده است، و فصول یاد شده براساس تقسیم بندی، محقق سختکوش و دقیق‌النظر کتاب است.

#### ملحقات کتاب:

پیشتر گفتیم که آنچه از کتاب فاکهی عرضه شده است بخش دوم کتاب است؛ محقق بخش اول را که در منابع دیگر پراکنده بوده است استخراج و بازشناسی کرده است. در این بخش که پیوست اول کتاب را تشکیل می‌دهد از:

چگونگی آمدن حضرت ابراهیم به مکه، چاه زمزم، ماجرای ذبح اسماعیل، چگونگی و جایگاه و زمان آن سخن رفته است. بحث فاکهی در اینجا از این جهت که ذبیح اسماعیل است و نه اسحاق، و توجه دادن به گزارشهای وارونه اهل کتاب و برنمودن ورود اسرئیلیات در منابع و آثار اسلامی قابل توجه است.

در ادامه این گزارشها اخباری از ازدواج اسماعیل با زنی از عمالقه، چگونگی آمدن برخی از قبایل به مکه، چرایی نامگذاری «عمالقه» و گزارشی از پیشینه تاریخی آنها، و یادکرد برخی از قبایلی که در آن دیار سکونت داشتند و پاره‌ای از آداب و رسوم و چگونگی حیات اجتماعی آنها، ارائه شده است.

گزارش برخی از جنگها، روزهای مهم و مشهور تاریخی، چگونگی «نسیئ» و مسئولان آن، اولین بنیادگذار کعبه، و چگونگی ساختمان آغازین آن و نهادن «حجرالأسود» و مسیر تطّور بنای کعبه پس از اسلام تا زمان فاکهی و... نیز از مطالب این پیوست است.

در پیوست دوم محقق کتاب، تصاویر زیبایی از وضع امروزی برخی از جابهای

مشهوری را که فاکهی در کتابش آورده عرضه کرده است؛ با توضیحاتی روشنگر از چگونگی آنها و بدین سان بگونه‌ای دلپذیر امروز این جایها را به گذشته‌های تاریخی آنها پیوند زده است.

در پیوست سوم، نقشه‌های گویایی از مکه و اطراف آن ترسیم شده است بر پایه کتاب فاکهی، این تصویرها وضع مکه و چگونگی آن را در آن روزگار نشان می‌دهد، از جمله:

- ۱- مکه در قرن سوم هجری
  - ۲- مشهورترین خانه‌ها، جایها و کوههای مکه
  - ۳- چاههایی که در آن روزگار در مکه بوده است
  - ۴- آبگیرها، حوض‌ها، استخرها و برکه‌ها
  - ۵- دیوارها، حصارها، دژها...
  - ۶- راههای اصلی مکه، پیچها و گردونه راههای کوهستانی، گورستانها
  - ۷- جایهای تاریخی و مساجد
  - ۸- نقشه دقیق ساختمان کعبه، مسجدالحرام و اطراف آن در ۲۷۲ هجری به هنگام خلافت مهدی عباسی
- با آنچه یاد کردیم متن کتاب با تحقیق دقیق گسترده و استوار، محقق آن پایان می‌پذیرد.

#### شیوه فاکهی در تدوین کتاب نقل مطالب:

در گزارشگونه‌ای که از فصول کتاب ارائه دادیم تا حدودی شیوه نقل فاکهی روشن شد. اینک اندکی بشرحتر به این مطلب پردازیم. آنچه اینک در اختیار ماست حدود ۳ هزار حدیث و اثر و گزارش را به‌مراه دارد. تمام این گزارشها با اسناد عرضه شده است و فاکهی در عرضه این مجموعه آیین نقل حدیث را دقیقاً رعایت کرده است، او گاهی تصریح می‌کند حدیث را شنیده است (ج ۳/۲۲۲) و گاهی نشان می‌دهد که حدیث را از جایی برگرفته و بر «شیخ حدیث» عرضه کرده است (ج ۳/۱۶۰) و دیگرگاه می‌نمایاند که گزارش را «اجازة» می‌آورد. (ج ۳/۱۷۴)، در نقلها گاهی قرائنی را می‌افزاید تا نشان دهد سماع وی قطعی است (ج ۵/۱۴ شماره ۲۷۳۳) و گاهی به جایی که حدیث را در آن شنیده است تصریح می‌کند (ج



۱۳۴/۳، ج ۲/۱۳۵ و... اگر در کلمه‌ای از خبر تردید کند آن را گزارش می‌کند (ج ۲/۱۱۱) کسانی از محدثان را دیده با این همه نقل روایت را به واسطه دارد در اینصورت بدان تصریح می‌کند (ج ۲/۳۰۳) اگر در سند و یا متن حدیث تصحیفی بیابد آن را تصریح می‌کند و پس از نقل حدیث بدان تبّنه می‌دهد (ج ۳/۳۴، ج ۴/۳۰ و...) و گاهی در چگونگی حدیث و صحت و سقم آن اظهار نظر می‌کند (ج ۳/۱۶۰).

پس از این خواهیم گفت که فاکهی در مکه بدنیا آمده و در آن دیار بالیده و رشد کرده است. بدین سان بخش عظیمی از کتاب را توصیفها و تبیین‌ها بدون واسطه او تشکیل می‌دهد این وصفها در نهایت دقت و استواری است. او تنها به نقل آثار و اخبار بسنده نکرده بلکه در جهات مختلف و ابعادگونه گون گزارشها به نقد و بررسی و اظهار نظر پرداخته است، این نکته در مباحث فقهی بویژه در مسائل مربوط به طواف، سعی، احرام و وقوف به عرفه... و تحدید حدود مکانها و جایهایی تاریخی بروشنی پیداست.

ادبیات عرب نیز در این کتاب جلوه عظیم و ستودنی دارد. او در مناسبتهای مختلف اشعار عرب را عرضه کرده و بدین سان پهنه مباحث کتاب را با جلوه‌های ادب عربی آمیخته و اثری ادبی از خود به یادگار نهاده است. تنوع در مصادر و منابع نقل نیز در کتاب فاکهی ستودنی است. با این همه باید یاد کرد که فاکهی به جمع و تبویب اخبار همت ورزیده است و اسناد را به دقت گزارش کرده است تا راه برای ارزیابی در چگونگی نقلها برای محققان واپسین باز باشد.

### مؤلف کتاب:

محمد بن اسحاق بن العباس فاکهی، از عالمان مورخان و محدثان قرن سوم هجری است. از سالزاد وی اطلاع دقیقی در دست نیست، محقق کتاب احتمال می‌دهد او بین سالهای ۲۱۵ - ۲۲۰ در مکه از مادرزاده شده باشد. فاکهی در مکه بالید و رشد کرد و فراگیری دانش را نیز در آن دیار آغاز کرد و از مشایخ مکه فراوان بهره گرفت ولی بدان بسنده نکرد و برای گسترش آگاهیها و تعمیق معلوماتش به دیگر دیارها رفت برکشید و در بغداد، کوفه، صنعا و... در محضر مشایخ حدیث زانو زد و از خرمن دانش دانشوران آن شهرها خوشه‌ها چید و بهره‌ها برد.

فاکهی در مکه از جایگاه اجتماعی والایی برخوردار بوده است، این حقیقت را می‌توان از برخی نقلهای وی دریافت. او گاه حوادثی را گزارش کرده، و جایها و مواضعی را نشان داده که محدثی عادی بدانها نمی‌توانست دست یابد. گزارش مراسلات بین امراء و وصف دقیق آنها نیز نشانگر آن است که وی در مکانتی بالا قرار داشته است.

محقق کتاب براساس نقلهای «اخبار مکه» ۲۳۱ تن از مشایخ فاکهی را فهرست کرده است (ج ۱۹/۱ - ۲۹) که نشانگر سختکوشی و جستجوگری هوشمندانه فاکهی در فراگیری دانش و گستراندن اطلاعاتش است.

سالمرگ فاکهی نیز دقیقاً روشن نیست. محمد بن احمد بن علی فاسی می‌گوید: سالمرگ او را نمی‌دانم اما قطعاً به سال ۲۷۲ زنده بوده است.<sup>۱۹</sup> این گفته فاسی را بسیاری از شرح حال نگاران نگاهشته و پذیرفته‌اند؛<sup>۲۰</sup> اما بغدادی وفات او را ۲۸۵ دانسته است بدون اینکه منبع معتمدی برای این قول یاد کرده باشد.<sup>۲۱</sup>

اما محقق کتاب با دقت در نقلهای کتاب، و گزارشهایی که فاکهی در کتابش آورده است ترجیح می‌دهد که سالمرگ او بین سالهای ۲۷۲ تا ۲۷۹ باشد.<sup>۲۲</sup>

### تحقیق کتاب:

کتاب را عبدالملک عبدالله بن دهیش، از نویسندگان و فاضلان سعودی تحقیق، تصحیح کرده و با پانوشتهای مفصل در ۶ جلد نشر داده است. ۵ جلد متن کتاب و پیوستهای آن و یک جلد ویژه فهرس کتاب. تحقیق کتاب یکی از نمونه‌های برجسته، استوار، و عظیم تحقیق علمی متون کهن است، که اکنون با نگاهی گذرا به چگونگی تحقیق وی، نوشته را پایان می‌دهیم:

### ۱ - متن کتاب:

محقق کتاب را براساس تنها نسخه موجود آن تصحیح کرده و برای عرضه متنی استوار و دقیق، این نسخه را با مصادر کتاب و کتابهایی که معاصران وی و عالمان پس از وی تألیف کرده و از آن نقل کرده‌اند و یا مطالب همگون دارند، مقابله کرده است. وی با تتبع و تحقیق در خور تقدیر و سنجیدن نسخه موجود با آنچه یاد شد آنچه را به صواب دیده در متن

آورده و در پانوشتها موارد تحریف، تصحیف و اشتباه متن نسخه خطی را نشان داده است. اسناد کتاب را با مراجعه به منابع رجالی تصحیح کرده و تحریفها، افتادگیها و تصحیفها را زدوده است. چگونگی حدیث را مشخص کرده و دقیقاً یاد کرده است که مثلاً حدیث «صحیح»، «ضعیف» و... است احادیث، اخبار، آثار و اشعار را تخریج کرده و دقیقاً جایهای آنها را در منابع نشان داده است.

## ۲ - پانوشتها:

در پانوشتها منابع نقل را دقیقاً نشان داده، روایات و اخبار را اگر در منابع مشابه یافته گزارش کرده، گاهی به اختصار راوی را معرفی کرده و به جایگاه وی در رجال شناسی اشاره نموده است. جایها، حادثهها و واقعهها را اگر در متن به اختصار نهاده شده و دقیقاً معرفی نشده است، معرفی کرده و ضمن توضیح و تبیین دقیق آنچه یاد شد اشتباهات محققان معاصر را در این باره تصحیح کرده است. افزون بر اینها واژههای دشواریاب را نیز معنا کرده است.

## ۳ - فهرستها:

محقق جلد ششم را ویژه فهرس فنی کتاب ساخته است و در این جلد، فهرست آیات، احادیث، اعلام، اشعار، جایها، منابع و موضوعات را آورده است. در فهرست احادیث، احادیث را براساس حروف چیده و آنگاه راوی و جای آن را در کتاب نشان داده است. فهرست اعلام را چند بخش کرده است:

۱ - فهرست راویان در این فهرست مشایخ فاکهی را با علامت (ش) نشان داده است.

۲ - فهرست رجال و اعلامی که در کتاب یاد شده اند اما راوی نیستند.

۳ - فهرست صاحبان حرفهها

۴ - فهرست قبیلهها و قومها

فهرست موضوعات کتاب نیز براساس الفبا تنظیم شده است و تمام جایها، حادثهها و موضوعات طرح شده در کتاب به دقت فهرست شده است. در فهرست اشعار اول اشعار آمده و قافیه و شاعر آن مشخص شده است.

در فهرست منابع، مصادر و منابع محقق کتاب با دقت تمام شناسانده شده است و در پایان فهرست کلی موضوعات مجلدات پنجگانه آمده است.

#### ۴- مقدمه کتاب:

محقق مقدمه‌ای نوشته است درازدامن، تحقیقی و بسیار سودمند؛ و در ضمن آن از شرح حال مؤلف و مشایخ و شاگردان وی به تفصیل سخن گفته است. پیشتر گفتیم از شرح حال دقیق مؤلف در منابع شرح حال‌نگاری اطلاع‌چندانی در دست نیست محقق کتاب با درنگریستن در متن کتاب، از شرح حال، حدود تولد و مرگ، سفرهای وی برای فراگیری دانش، جایگاه اجتماعی و علمی او در قرن سوم، مشایخ و شاگردانش به تفصیل سخن گفته است. آنگاه به کتاب فاکهی پرداخته و اهمیت آن را نمایانده، و از مصادر و منابع فاکهی سخن گفته و تأثیرش را در آثار بعدی در این باره نشان داده است. و در پایان مقدمه شیوه پژوهش، تصحیح و تحقیق کتاب را گزارش کرده است. تحقیق کتاب نمونه عینی تحقیقی ژرف، گسترده، دقیق و عالمانه است.



#### پاورقی‌ها:

۱. اندک اختلافی در سال تولد وی در منابع دیده می‌شود. بنگرید به: الوافی بالوفیات، صلاح‌الدین خلیل بن ابیک الصفدی، ج ۲/۲۳۸، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة جمال‌الدین ابی المحاسن یوسف بن تغری ج ۲/۱۸۴، کتاب المغازی للواقدی. ج ۱/۵.
۲. بنگرید به: تاریخ بغداد، ج ۱۲/۵۴، معجم الأدبا یاقوت حموی، ج ۱۴/۱۲۴، النجوم الزاهرة، ج ۲/۲۵۹، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۰/۴۰۰، تاریخ التراث العربی، ج ۱، جزء ۲/۱۳۹، اخبار مکه، ازرقی (مقدمه). یادآوری کنم که در سالمرگ وی نیز در میان مورخان وحدت نظر نیست.
۳. در یکی از شماره‌های آینده «میقات» به تفصیل از این اثر سخن خواهیم گفت.

۴. الأعلان بالتویخ لِمَنْ ذمَّ اهل التاريخ، السخاوی / ۶۴۸ چاپ شده در ضمن (علم التاريخ عندالمسلمین)، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ج ۲ / ۳۱۹.
۵. اخبار مکه، للأزرقی (مقدمه) / ۱۰، اخبار مکه، فاکهی ج ۱ (مقدمه) / ۳۴، بخشهایی از آثار وی را فاکهی در کتابش آورده است.
۶. بنگرید به: معجم الأدياء، ج ۱۱ / ۱۶۴، الفهرست / ۱۲۳، تاریخ التراث العربی، ج ۱ جزء ۲ / ۱۴۷ و...
۷. تاریخ المدینة المنورة، ج ۱ (مقدمه) / ی
۸. همان.
۹. همان.
۱۰. تغلیق التعلیق، ج ۵ / ۴۷۱، این کتاب ابن حجر از آثار مهم و کارآمد اوست بنگرید به: الحافظ ابن حجر عسقلانی، عبدالستار الشیخ ۴۰۲ - ۳۹۱ اتحاف القاری بمعرفة جهود العلماء علی الصحیح البخاری / ۷۶.
۱۱. شفاء الغرام بأخبار بلد الحرام، ج ۱ / ۴
۱۲. برای آشنایی با وی رک: تاریخ التراث العربی، ج ۱ جزء ۲ / ۲۰۱.
۱۳. بنگرید به: أخبار مکه، ج ۱ (مقدمه) / ۳۳ - ۳۵
۱۴. همان ۳۳ - ۳۵.
۱۵. معجم البلدان، ج ۵ / ۱۹۰ و نیز بنگرید به: لغتنامه دهخدا، حرف م / ۱۰۶۲
۱۶. ج ۱ / ۴۷۰
۱۷. اخبار مکه، ج ۱ / ۴۱.
۱۸. اخبار مکه، ج ۳ / ۵۶.
۱۹. بنگرید به: معجم البلدان، ج ۵ / ۶۲، اخبار مکه، ج ۴ / ۳ - ۷۲ (پانوش)، لغتنامه دهخدا، حرف م ص ۹۳۸.
۲۰. اخبار مکه، ج ۴ / ۱۳۷.
۲۱. العقد الثمین، ج ۱ / ۳۱۰
۲۲. هدیة العارفین، ج ۲ / ۲۰
۲۳. بنگرید به: کشف الظنون، ج ۱ / ۳۰۶، معجم المؤلفین، ج ۴ / ۴۰، الأعلام، ج ۶ / ۲۸
۲۴. اخبار مکه، ج ۱ / ۳۲.
- \* اخبار مکه فی قدیم الذَّهر و حدیثه. تصنیف الامام ابی عبدالله محمد بن اسحاق الفاکهی، دراسة و تحقیق عبدالملك بن عبدالله بن دهیش (الطبعة الاولى مكتبة و مطبعة النهضة الحدیثه، مکه المکرمه، ۱۴۰۷) ۲۲۷۳ ص وزیری + تصویر.

